

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۲ - شماره مسلسل ۴۹

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- | | |
|---|---|
| ۶ تعویق ۱۲ ماهه حقوق کارگران « همکار ماشین » | ۲ بازگشت به کار کارگران اخراجی چینی کرد درگرو چیست؟ |
| ۶ اعتصاب کارگران دو کارخانه در اراک | ۳ تجمع اعتراضی کارگران ذوب آهن ملایر |
| ۷ تفهیم اتهام جدید به محسن حکیمی | ۳ ادامهٔ بیکار سازی ها در سوئد |
| ۷ اعتراض کارگران پوشینه بافت به تعویق ۶ ماهه دستمزدها | ۴ اخراج کارگران از شرکت مخابرات سقز |
| ۷ اجتماع اعتراضی کارگران « ایران پویا » | ۴ بیکار سازی کارگران در کارخانه ساسان |
| ۷ جدال میان کارگران و سرمایه دار در کارخانه شوگا | ۵ تعویق ۵ ماهه دستمزد کارگران فرش پارس |
| ۸ نشست سران G20 و غارت ته مانده سفره کارگران | ۵ بردگی مزدی معلمان تحت قوانین برده داری روم باستان |
| ۹ ما هزینه بحران شما را نمی پردازیم! | ۶ شروع کار در ایران خودرو با قدرت نمایی نیروهای انتظامی |



شور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۱۱

بازگشت به کار کارگران اخراجی چینی کرد درگرو چیست؟

را که مصلحت سرمایه اندوزی و سود افزایی و تشدید استثمار ما است بر ما تحمیل می کنند. آنان دولت دارند، ارتش دارند، پلیس دارند، زندان دارند و در یک کلام قدرت و قدرت و باز هم قدرت دارند. پاسخ قدرت را فقط با قدرت می توان داد. سرمایه داران و دولت و قانون سرمایه قرار نیست به زندگی ما فکر کنند و به شکایات ما رسیدگی نمایند. آنان برای هر ریال افزایش سود خود بسیار راحت ما را سرکوب می کنند. در مقابل سرمایه و سرمایه داران با خواهش و التماس و الحاح و شکایت نمی توان به هیچ حق و حقوقی دست یافت. تنها چیزی که می تواند به یاری ما بشتاید قدرت و اعمال قدرت است. شکایت نویسی و توسل به دولتمردان راه اعمال قدرت نیست. برعکس، راه زوال و فرسودن و از دست دادن قدرت است. قدرت ما در سازمانیابی متحد و شورایی وسیع ما علیه سرمایه است. قدرت را فقط در این مسیر، در روند متشکل شدن شورایی علیه سرمایه و سرمایه داران و نظام سرمایه داری و دولت سرمایه می توان جستجو کرد. این کار سخت است، اما شدنی است. و راه عملی شدن آن نیز بسیار روشن در پیش روی ما است. قرار نیست کسی از آسمان یا از درون این حزب و آن گروه و آن نهاد دست به کار نجات ما شود. همه چیز، همه کارهایی که باید انجام دهیم، حی و حاضر در جریان زندگی و کار روزمره ما، پیش رویمان صف کشیده است. ما ۲۰۰ کارگر هستیم که در کارخانه کاشی کرد کار می کرده ایم و استثمار می شده ایم. سرمایه دار ما را از کارخانه اخراج کرده است و به ناچار بیکار شده ایم و به ورطه گرسنگی افتاده ایم. در چنین وضعی طبعاً با این پرسش مواجهیم که چه کنیم؟ پاسخ خیلی ها و از جمله پاسخ خود ما کارگران چینی کرد تا امروز این بوده است که شکایت سرمایه دار را پیش دولت سرمایه داران ببریم. به اداره کار رجوع کنیم. در مقابل استانداری اجتماع کنیم. به رئیس جمهوری نامه بنویسیم و نوع این کارها را انجام دهیم. حرف ما این است که کار دیگری را هم می توان انجام داد. به جای این که سرمایه دار ما را اخراج کند، ما او را اخراج کنیم. ما کارخانه را تصرف کنیم. ریال به ریال کارخانه حاصل استثمار ما است. اگر به این کار دست بزنیم تازه گوشه بسیار ناچیزی از دنیای سرمایه ای را که آفریده ایم خودمان به دست آورده ایم. خوب فکر کنید چرا سرمایه دار که حاصل کار و استثمار ما را به صورت کارخانه تصرف کرده است باید ما را از آن جا اخراج و بیکار و گرسنه سازد اما ما که خالق کل سرمایه کارخانه و هزاران برابر آن هستیم به خود اجازه ندهیم که سرمایه دار غاصب زورگو را از کارخانه بیرون اندازیم؟ ما می توانیم این کار را انجام دهیم و باید آن را انجام دهیم و با انجام دادن آن تازه یک سنگر واقعی مقاومت در مقابل تعرض سرمایه دار و دولت سرمایه داران پیدا کرده ایم. قرار نیست که ما با تصرف کارخانه سرمایه دار شویم. می خواهیم از بیکار شدن خویش جلوگیری کنیم، و برای این که خواست ادامه کار و اشتغال را بر صاحبان سرمایه و دولتمندان تحمیل کنیم باید با آن ها به صورت متحد و متشکل مبارزه کنیم. راه این مبارزه از تصرف کارخانه می گذرد. این جا یک سنگر محکم است. در درون آن مقاومت می کنیم و اعلام می داریم که ما بسیار بهتر از هر سرمایه دار قادر به برنامه ریزی کار و تولید هستیم. برای این کار فقط احتیاج به مواد اولیه و امکانات داریم. تهیه این وسائل نیز به عهده دولت سرمایه داران است. به این ترتیب مبارزه ما یک مبارزه واقعی زمینی می شود. همه این ها فقط گام اول است. همه می دانیم که به اعتبار قدرت ۲۰۰ نفری خودمان نمی توانیم بر سرمایه دار و دولتمند پیروز شویم. برای پیروزی در این مبارزه ساز و برگ و مهمات لازم است. این ساز و برگ و مهمات هم هیچ چیز جز قدرت سازمان یافته شورایی ضد سرمایه داری ما نیست. از این جا به بعد باید دست به کار جلب حمایت توده های طبقه خویش شویم. از همه کارگران اخراج شده کارخانه های دیگر بخواهیم که آن ها هم عین کار ما را انجام دهند. از کارگران شاغل مراکز کار و تولید بخواهیم که در حمایت از ما اعتصاب کنند و خیلی کارهای دیگر که باید انجام دهیم. یک بار دیگر تأکید می کنیم که این کار بسیار سخت است و دنیایی فکر و برنامه ریزی و چاره

مبارزات کارگران اخراجی کارخانه چینی کرد در کرمانشاه علیه حکم اخراج و برای بازگشت به کار ادامه دارد. ۲۰۰ کارگر اخراجی به طور مکرر به نهادهای دولتی رجوع می کنند و خواستار روشن شدن وضعیت اشتغال خویش و انصراف کارفرما از اجرای طرح بیکارسازی می شوند. عمال دولتی مستقر در این نهادها چنان که رسم و وظیفه آن ها است بنیاد کار خویش را بر سرودن، فرسودن، خسته کردن، به بن بست کشاندن و مأیوس ساختن کارگران از تداوم اعتراض قرار داده اند. یک روز مسئولان اداره کار به آن ها وعده می دهند که چند وقت دیگر بساط رسیدگی پهن خواهند کرد و حتماً سرمایه دار را به انصراف از اخراج ها مجبور خواهند ساخت. هفته بعد با فرا رسیدن زمان موعود و هنگام مراجعه مجدد کارگران، اعلام می کنند که کاری از دستشان ساخته نیست. چند صبحی این سوتر، بخش دیگری از کارگران سرمایه در اداره استانداری در مقابل جمعیت عاصی کارگران ظاهر می شوند و چنان وانمود می کنند که گویا به راستی می خواهند سرمایه دار را به خاطر ارتکاب جنایت بیکارسازی ها مجازات کنند. زمان می گذرد و کارگران در تداوم اعتراضات و تلاش های خویش باز هم به سراغ این نهادها می روند و این بار می شنوند که باید محل مذاکره با سرمایه دار را تغییر دهند!!! روزهای بعد بهانه ها برای تعویق ماجرا و طولانی ساختن سرگردانی و فرسودن کارگران عوض می شود. آن چه ماهیت و اساس همه وعده و وعیدها و خط و نشان کشیدن ها و تغییر حرف ها را تعیین می کند صرفاً همان است که بالاتر به آن اشاره کردیم، این که کارگران آن قدر میان این ادارات آمد و رفت کنند تا سرانجام از پای در آیند، از فرط خستگی و نومیدی تسلیم شوند و خطر اعتراض و مبارزه آنان از سر سرمایه دار رفع شود. سرمایه داران و دولت آن ها چنین می کنند و هر نوع تصور، انتظار و اعتقاد به این که جز این کنند به طور قطع عین توهم و ناشی از کمال ناآگاهی و خام اندیشی است. در این میان مسئله بسیار اساسی نحوه نگاه و واکنش و نوع اقداماتی است که کارگران انجام می دهند. یک چیز مثل روز روشن است. وقتی کارگر قدرت ندارد، وقتی او خود را ضعیف و فرومانده می بیند، وقتی پشتش خالی است، به رغم تمامی تجربه، شناخت و باوری که به دروغ بودن حرف سرمایه داران و عمال دولتی آن ها دارد باز هم از سر ناچاری و درماندگی به دنبال هر وعده و وعید سراسر دروغ آن ها راه می افتد. این موضوع کاملاً مفهوم و ملموس است. هیچ کارگری را مادام که فاقد قدرت و فرومانده و دچار عجز است نمی توان به علت افتادن در دام وعده های دروغ و ترفندهای عوام فریبانه سرمایه داران یا دولت آن ها سرزنش کرد. مفهوم سخن ما در این جا نیز مطلقاً انکار این واقعیت بسیار تلخ و دردناک نیست. برعکس، ما با درک این معضل اساسی همه حرف مان این است که باید از ورطه بی قدرتی و ناتوانی خارج شد. باید به جای افتادن به دام ترفندهای کارفرمایان و اداره کار و استانداری و مانند این ها راه متحد شدن، متشکل گردیدن، قدرت یافتن و اعمال قدرت را دنبال کرد. این نه شعاربافی است، نه خیالبافی، نه «از بیرون گود لنگش کن» گفتن است و نه نادیده گرفتن دنیای مشکلاتی که سر راه مبارزه و متحد شدن و متشکل گردیدن قرار دارد. خلاصه سخن این است که هیچ راه دیگری وجود ندارد. راه ها و راه حل های دیگر میلیون ها بار تجربه شده اند و بیهوده بودن آن ها کل ظرفیت ذهن و خاطره و حافظه ما را پر کرده است. چه قدر باید میان ادارات دوید و آخر کار دست از پا درازتر، با دنیایی فرسودگی و یأس از پیگیری خواست های خویش دست کشید؟ چه قدر باید به حرف استاندار و رئیس اداره کار و این یا آن نماینده مجلس یا رئیس جمهوری و مانند این ها گوش داد و به وعده های آن ها دل بست؟ چه قدر باید محتوای گفتگوها، درد دل ها، امیدهای کاذب و خیالبافی های پر از عجز ما را نقل این یا آن دروغ فلان سرمایه دار یا فلان نهاد دولتی تشکیل دهد؟ چند نسل از ما کارگران باید در پیچ و خم این راه های فرساینده پر از ذلت و بدبختی تپاه شوند؟ ما با طبقه سرمایه دار طرف هستیم، سرمایه داران هر بلایی که اراده می کنند بر سر ما می آورند، هر چه

اندازیم به طور قطع بیشتر ضرر کرده ایم. تصرف کارخانه در شرایط کنونی برای کارگران کارخانه های در معرض تعطیل یک سلاح مؤثر مبارزه است، همان طور که سلاح اعتصاب برای کارگران شاغل در همه مراکز کار و تولید یک سلاح کارساز پیکار علیه سرمایه داری است. ما باید همه این راهکارها را به هم پیوند زنیم و همه این سلاح ها در مبارزه کنونی خویش علیه سرمایه به کار گیریم. استفاده از تمامی این راهکارها به نوبه خود در گرو سازمانیابی سراسری شورایی و ضد سرمایه داری ما است.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۵ فروردین ۱۳۸۸

اندیشی و فداکاری لازم دارد. این کاملاً روشن است. اما ما از سر هوی و هوس نیست که به این فکر می افتیم. مشتاق جنگیدن هم نیستیم. می دانیم که پیروزی در این مبارزه هم صد درصد حتمی نیست. همه این ها را می دانیم. اما ما مجبوریم مبارزه بکنیم و هیچ راه دیگری نداریم. همه راه ها به بن بست ختم می شود. این تنها راهی است که در آن قدرت خود را علیه سرمایه به صف می کنیم. تنها راهی است که در آن می توانیم آگاهی خویش را بیش از پیش ارتقا دهیم و آگاهانه تر و بدین سان قدرتمندتر مبارزه کنیم. تنها راهی است که در صورت پیمودن، ادامه دادن، بالا بردن آگاهی، گسترش مبارزه، سازمانیابی نیرومندتر ضد سرمایه داری و شورایی از بیشترین شانس ممکن برای پیروزی برخوردار است. هر چه آغاز کردن این راه را به تعویق

تجمع اعتراضی کارگران ذوب آهن ملایر



کارگران کارخانه ذوب آهن ملایر مدت ها است که حقوق ماهانه خود را دریافت نکرده اند. آنان بخشی از دستمزدها را که زیر نام مزایا داده می شود نیز نگرفته اند. از این ها که بگذریم، کارگران از هیچ تضمینی برای اشتغال خود برخوردار نیستند و مدام در معرض اخراج قرار می گیرند. تا کنون شمار زیادی کارگر به بهانه های مختلف اخراج شده اند. موج هراس از بیکارسازی همه کارگران شاغل را نیز فراگرفته است. ۱۰۰ کارگر ذوب آهن زیر فشار همه این مشکلات روز دوشنبه ۱۷ فروردین در محل کارخانه اجتماع کردند و دست به اعتراض زدند. آنان خواستار پرداخت فوری همه دستمزدها و مزایا و تضمین اشتغال خویش شدند.

منبع: آژانس ایران خبر

۱۸ فروردین ۸۸

ادامه بیکار سازی ها در سوئد

سندیکالیستی دنیای سرمایه داری به ماشین دولتی سرمایه عروج کرده اند.

روز شنبه ۴ آوریل ۱۰۰ کارگر با سازمان دادن یک راه پیمایی به طرح بیکارسازی ها اعتراض کردند. اکثر قریب به اتفاق افراد شرکت کننده در این تظاهرات را کارگران پرستار و دیگر کارگران بیمارستان تشکیل می دادند. شعار محوری تظاهرات این بود: " طرح بیکارسازی را در سبب اشغال بیندازید و امکانات درمان و نگهداری سالمندان را نگاه دارید."

« پر یوهانسون » کارگر فعال و مؤثر در سازمان دادن راه پیمایی، می گوید: "با آن که کلیه کارگران بیمارستان با این تظاهرات موافق بودند واز آن حمایت می کنند، اما تعداد کم شرکت کنندگان ناامید کننده است." او علت این

بیکارسازی ها همان بهانه کل سرمایه داران و دولت سرمایه داری است: باید با صرفه جویی به نفع سرمایه و در واقع با هجوم به سطح معیشت و امکانات رفاهی توده های کارگر سرمایه را از ورطه بحران نجات داد!

یکی از افراد همین طیف احزاب در شورای استان در مورد اخراج ها می گوید: "سخت است اما ضرورت دارد." فشرده حرفش بسیار ساده این است که بیکاری کارگران و کاهش امکانات درمانی مسلماً زندگی توده های کارگر را رقت بارتر خواهد ساخت. اما چه باک! سر و جان همه کارگران و همه بشریت فدای سرمایه!! این حرف مشترک احزابی است که با رأی بسیار « آزاد» در فضای بسیار دموکراتیک، در رفیع ترین قله « آزادی » و دموکراسی و حقوق

اخراج کارگران حوزه درمان در شمال غربی سوئد همچنان ادامه دارد. بعد از اخراج گسترده کارگران بیمارستان شهر « اوویک » اینک نوبت بیمارستان شهر سونسوال فرا رسیده است. دولت سرمایه داری اخراج ۵۰۰ کارگر از ۳۰۰۰ کارگر این بیمارستان را در دستور کار خویش قرار داده است. همزمان حکم اخراج ۱۰۰ کارگر معلم مدارس شهر نیز صادر شده است.

ترکیب غالب طراحان و عواملان طرح بیکارسازی ها در شهر سونسوال نمایندگان احزاب چپ و سوسیال دموکرات در نهاد موسوم به شورای استان (لندستینگ) هستند. این دو حزب اکنون در مجلس سرمایه در جایگاه اقلیت قرار دارند، اما در شورای ایالتی سونسوال در اکثریت هستند. بهانه آنان برای

چگونه کارگران را در منجلا ب رفر میسم غرق نموده اند و تمکین به شروط ماندگاری سرمایه داری را داربست زندگی آن ها ساخته اند. آوریل ۲۰۰۹

دولت به عقب نشینی نیز یک علت اساسی عدم شرکت آن ها است. پر یوهانسون فراموش کرد بگوید که جنبش اتحادیه ای و سوسیال دموکراسی با جنبش کارگری چه کرده اند،

امر را به تردید به نامساعد بودن هوا در روز تظاهرات ربط می هد. اما پنهان نمی کند که عدم اعتقاد کارگران به موثر بودن این گونه حرکت های اعتراضی برای مجبور ساختن

اخراج کارگران از شرکت مخابرات سقز

شرکت مخابرات شهر سقز ۳ کارگر را اخراج و ۱۰ نفر دیگر را در آستانه بیکاری قرار داده است. اعلام خبر این اخراج ها خیر مقدمی است که دولت سرمایه داری در نخستین روز کاری سال ۸۸ به این کارگران ابلاغ کرده است. سه کارگر که هر کدام ۴ سال در این شرکت کار کرده و استثمار شده اند روز اول شروع کار در سال جدید وارد شرکت می شوند تا به روال معمول کار خویش را آغاز کنند. در همین اتنا مسئولان شرکت به آنان اطلاع می دهند که مشمول اخراج قرار گرفته اند و باید محل کار را ترک گویند. شرکت همچنین اعلام کرده است که ۱۰ کارگر دیگر نیز از قسمت ۱۱۸ بیکار خواهند شد. خیر اخراج ها موجی از وحشت و اضطراب را بر فضای زندگی کارگران حاکم کرده است، به گونه ای که کارگران به ادامه اشتغال خود در روزهای آینده امیدوار نیستند.

منبع: ایلنا

۱۷ فروردین ۸۸



Iranian Labour News Agency

بیکارسازی کارگران در کارخانه ساسان

این فقط شرکت مخابرات سقز نیست که روز نخست کاری سال ۸۸ را با اعلام خبر اخراج ۱۳ کارگر آغاز کرده است. برخی سرمایه داران مراکز دیگر کار و تولید دیگر نیز همین کار را کرده اند. کارگران شرکت نوشابه سازی ساسان پس از دو هفته تعطیلی به کارخانه بازمی گردند، اما صاحبان سرمایه از ورود آن ها به محیط کار جلوگیری می کنند. اعلام خبر اخراج همه کارگران را شوکه می کند و آنان بسیار خشمگین و عاصی دست به اعتراض می زنند. بر اساس مذاکرات قبلی قرار بوده است که هر کارگر اخراجی کارخانه ۳ ماه غرامت دریافت کند اما سرمایه داران اعلام کرده اند که بیش از یک ماه پرداخت نخواهند کرد. شواهد حاکی است که دامنه بیکارسازی ها بسیار وسیع خواهد بود و شامل حدود ۴۰۰ کارگر خواهد شد. سرمایه داران شرکت ساسان در سال پیش از محل استثمار همین کارگرانی که اینک به برهوت بیکاری و گرسنگی پرتاب می شوند سودهای نجومی به دست آورده اند. فقط یک قلم از این سودهای سرسام آور ۵ میلیارد تومان گزارش شده است. حتی فقط همین یک قلم سود بیش از کل حقوقی است که ۲۰۰۰ کارگر در طول یک سال دریافت می کنند. کارگرانی که حکم اخراج دریافت کرده اند در وضعیت روحی بسیاری قرار دارند. دورنمای بیکار ماندن محتوم و عدم امکان فروش نیروی کار، گرسنگی و فقر و سرگردانی و بی خانمانی و همه مصائب ناشی از بیکاری به صورت هولناکی بر زندگی آنان سنگینی می کند. آنان به جنایات کارفرمایان اعتراض دارند و خواستار ادامه اشتغال خویش هستند.



Photo:Houshang Hadi

Iranian Labour News Agency

منبع: ایلنا

۱۷ فروردین ۸۸

تعویق ۵ ماهه دستمزد کارگران فرش پارس

اجتماع کردند و خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه ۵ ماهه و تضمین اشتغال خویش شدند.

منبع: ایلنا

۱۷ فروردین ۸۸

خانمانی خود را فریاد کرده اند. اما در هیچ کجا هیچ کس هیچ پاسخی به شکایت ها و اعتراض ها و فریادهای آنان نداده است. ۲۵۰ کارگر به دنبال همه این اعتراض ها و بی نتیجه ماندن آن ها یک بار دیگر در مقابل ساختمان کارخانه

کارگران فرش پارس ۵ ماه است که کار کرده و استنمار شده اند اما در قبال کار خویش هیچ پولی دریافت نکرده اند. آنان در طول این ۵ ماه بارها اجتماع و یا تحصن کرده اند. دنیای گرسنگی و بدهکاری و فقر و برهنگی و بی

بردگی مزدی معلمان تحت قوانین برده داری روم باستان



فروش نیروی کار حتی در بهترین شرایط متضمن جداسازی کامل کارگر از روند کار و محرومیت کامل وی از هر نوع آزادی و حق دخالت در سرنوشت کار و تولید و زندگی اجتماعی خویش است. این حکم کلی سرمایه است و تا نظام سرمایه داری پابرجاست چنین خواهد بود. اما تاریخ حیات سرمایه داری در لحظه لحظه خود تاریخ پیکار طبقاتی و مبارزه و عصبان و قهر و قیام و انقلاب توده های کارگر علیه شدت استنمار و فشار ستم و بی حقوقی ها و سیه روزی های ناشی از موجودیت این نظام است. کارگران برخی جاها در جریان این پیکار مستمر تاریخی عقب نشینی هایی را بر سرمایه داران و دولت آن ها تحمیل کرده و تغییراتی را به نفع بهبود شرایط کار و وضعیت معیشتی خویش بر صاحبان سرمایه ایجاد نموده اند. اما جنبش کارگری ایران با کمال تأسف و به دلایلی که در اینجا مجال شرح آن نیست در هیچ دوره ای قادر به دستیابی به چنین موفقیت هایی نشده است. در اینجا، برعکس، سرمایه است که یکه تاز و بی عنان بر حق و حقوق اولیه بردگان مزدی شمشیر کشیده و می کشد تا از این طریق حجم سودهای خود را عظیم تر و عظیم تر سازد. این وضع در طول چند دهه اخیر حتی از گذشته های دور نیز رقت بارتر بوده است. هر سالی که گذشته فشار سرمایه بر شرایط کار و معیشت توده های کارگر ابعادی بسیار هولناک تر و مرگبارتر به خود گرفته است. روند این فشار و سیر صعودی و شدت و وسعت آن به گونه ای است که حتی پیش بینی مراحل بعدی آن کار آسانی نیست. ابداعات و کشفیات ارتجاعی و برده دارانه سرمایه داران و دولت آن ها برای افزایش فشار تهاجم و تطاول به هست و نیست کارگران چنان وسیع و حاد و پرشتاب است که نمی

توان از عوارض آینده آن گزارش دقیقی به دست داد. برای درک ابعاد این افزایش فشار کافی است به شروطی که وزارت آموزش و پرورش دولت سرمایه در مورد استخدام کارگران معلم تنظیم کرده نگاه کنیم. در متن این تعهد بر نکات زیر تأکید شده است :

- پرداخت کلیه خسارت های مطالبه شده از سوی اداره متبوع در صورت تخلف در موارد فوق
- منبع: آژانس ایران خبر
- ۱۷ فروردین ۸۸

- پذیرش بدون هیچ قید و شرط کلیه دستورات اداره متبوع
- محرومیت کامل از هر نوع تقاضای انتقال یا مأموریت
- سلب کامل و بدون چون و چرای هر نوع حق اعتراض به هر نوع تصمیم مسؤولان آموزش و پرورش
- ممنوعیت تقاضای انتقال به تبعیت از انتقال احتمالی همسر

شروع کار در ایران خودرو با قدرت نمایی نیروهای انتظامی



کار در ایران خودرو در سال جدید در پانزدهم فروردین ۱۳۸۸ با قدرت نمایی نیروهای انتظامی در سالن اجتماعات این شرکت و با سخنرانی «منطقی» مدیر عامل شرکت آغاز شد. حضور نیروهای حراست در گوشه ای از عکس به طور کاملاً گویا نشان دهنده ادامه سرکوب و خفقان در این شرکت است. در حالی که بیش از ده هزار نفر از کارگران ایران خودرو در سالن سخنرانی جمع شده بودند نیروهای حراستی و امنیتی با تدابیر خاص برای جلوگیری از هرگونه حرکت کارگران محل سالن را تحت شدیدترین تدابیر امنیتی قرار داده بودند. نیروهای گشت ویژه همراه با موتور سواران با قدرت نمایی می خواستند به کارگران نشان بدهند که در شروع کار با ما طرف هستید. اینجا ایران خودرو است، یک پادگان نظامی. هر گونه آزادی و تشکل ممنوع است. هرگونه اعتصاب و اعتراض ممنوع است.

منبع: خودروکار

۱۷ فروردین ۸۸

تعویق ۱۲ ماهه حقوق کارگران «همکار ماشین»



«همکار ماشین» یک بنگاه بزرگ واردات ماشین آلات راه سازی و کاترپیلار است. این شرکت در سراسر مملکت شعباتی دارد و حدود ۳۰۰ کارگر را استنمار می کند. سرمایه داران صاحب شرکت ۱۲ ماه تمام است که از پرداخت حقوق کارگران سر باز می زنند. آنان هیچ ریالی عیدی نیز به کارگران پرداخت نکرده اند و علاوه بر همه این ها دو سال است که تمامی بن های کارگری را به نفع خویش مصادره کرده اند. علت تأخیر دستمزدها مصداق همان مثل معروف «دعوا بر سر لحاف ملا» است. دو سرمایه دار شرکت بر سر تصاحب آنچه که فقط حاصل کار و استنمار توده های کارگر است با هم دعوا دارند. آن که پرزورتر است و مالکیت بخش بزرگ تری از سرمایه ها را در اختیار دارد مصمم است که سهم شریک را به بهای دلخواه خویش خریداری کند و کل شرکت را به مالکیت خود درآورد. حاصل دعوی طرفین بر سر سهم بری هر چه افزون تر در حاصل کار و استنمار کارگران سبب شده است که آنان ۱۲ ماه تمام حتی هیچ ریالی از بهای نیروی کار آنان را نیز نپردازند. ۱۲ ماه کار بدون حقوق، همراه با سرگردانی و فقدان هر نوع تضمین اشتغال، فشار کوه بدهکاری ها، گرسنگی مرگبار زن و فرزند و هزاران فاجعه و فلاکت دیگر کارگران را به ورطه هلاک فرو رانده است. سرمایه داران در این آواخر درب ورودی کارخانه را نیز قفل کرده اند و این امر به نوبه خود فشار سرگردانی و سیاه روزی کارگران را مضاعف ساخته است. ۶۰ کارگر عاصی و خشمگین در اعتراض به همه این جنایات ها در مقابل ساختمان استانداری تهران اجتماع کردند. آنان خواستار پرداخت فوری مطالبات خود شده اند.

منبع: ایلنا

۱۶ فروردین ۸۸

اعتصاب کارگران دو کارخانه در اراک

تمامی مطالبات خویش به اعتصاب ادامه خواهند داد.

منبع: آژانس ایران خبر

۱۶ فروردین ۸۸

کارگران هر ۲ شرکت در اعتراض به تعویق طولانی پرداخت دستمزدهای خود از رفتن پای ماشین ها و آغاز کار خودداری کردند. آنان دست به اعتصاب زدند و اعلام کردند تا دریافت

کارگران کارخانه های «آذر آب» و «واگن پارس» در اراک مدت ها است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. کارخانه ها بر اساس برنامه ریزی صاحبان سرمایه باید صبح امروز ۱۶ فروردین شروع به کار می کردند اما

تفهیم اتهام جدید به محسن حکیمی

باید قرار منع تعقیب برای متهم صادر کند یا با طرح کیفرخواست برای وی پرونده اش را برای صدور حکم به دادگاه بفرستد.

ما ضمن محکوم کردن این گونه احضارها و بازپرسی‌ها و تفهیم اتهام‌ها که صرفاً برای جلوگیری از فعالیت کارگری و متشکل شدن کارگران صورت می‌گیرد- خواستار پایان دادن به محاکمه محسن حکیمی و دیگر فعالان کارگری هستیم.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۶ فروردین ۱۳۸۸

روز سه شنبه ۱۱ فروردین ۸۸ از سوی شعبه دوم بازپرسی ویژه امنیت مستقر در دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی به صورت تلفنی به محسن حکیمی اطلاع داده شد که روز یکشنبه صبح ۱۶ فروردین برای آخرین دفاع در مرحله بازپرسی در این شعبه حضور یابد. محسن حکیمی در این تاریخ در شعبه مذکور حاضر شد و به پرسش‌های کتبی بازپرس براساس پرونده دستگیری دی ماه ۱۳۸۷ پاسخ داد. پس از این پرسش‌ها، بازپرس علاوه بر اتهام قبلی یعنی "فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی"، اتهام "اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور" را نیز به محسن حکیمی تفهیم کرد و در پایان نیز خواستار آخرین دفاع او شد. لازم به توضیح است که اخذ آخرین دفاع از متهم به معنای آن است که بازپرس به عنوان نماینده دادستان یا

اعتراض کارگران پوشینه بافت به تعویق ۶ ماهه دستمزدها



زدند تا از این طریق به جنایات سرمایه دار و دولت سرمایه داران اعتراض کنند.

منبع: اپلنا

۱۵ فروردین ۸۸

باشد، و دلهره و هراس ناشی از این که فردا چگونه نان فرزندانشان را از مغازه دار قرض کنند کابوس مرگ را به جان آنان انداخته باشد. آری، اگر مسئله را این گونه ببینیم درک وضعیت این کارگران و خانواده‌های آنان در شب عید پس از ۶ ماه کار بدون مزد هیچ آسان نیست. آنان در همه این ۶ ماه اعتراض کرده اند و به هیچ نتیجه ای نرسیده اند. سرمایه دار کارخانه تا امروز زیر نام پرداخت حقوق این کارگران ۶ میلیارد تومان از اداره کار کمک دریافت کرده است!! ایشان کل این مبلغ را به سرمایه خود اضافه کرده و هیچ ریالی به کارگران نداده است!! روز ۱۵ فروردین ۱۰۰ کارگر این کارخانه یک بار دیگر در فاصله میان شرکت تا اداره کار دست به راه پیمایی

کارخانه پوشینه بافت در استان قزوین قرار دارد و ۲۵۰ کارگر را استنثار می‌کند. این کارگران ۶ ماه است که حقوق نگرفته اند. سرمایه دار شرکت حتی عیدی آنان را نیز پرداخت نکرده است، تصور این که بر این جمعیت ۲۵۰ نفری چه می‌گذرد چندان دشوار نیست. اما راستش میان تصور چنین فاجعه ای با همه آزار دهنده بودنش تا واقعیت خود فاجعه دنیایی قرار دارد که دنیای زندگی روزمره ۶ ماه کار بدون حقوق است. این فاجعه را تنها کسانی می‌فهمند که واقعاً ۶ ماه مدام کار کرده و استنثار شده باشند، هیچ ریالی بابت دستمزد نگرفته باشند، زمین و زمان به صورت بدهکاری بر سرشان خراب شده باشد، احساس ذلت و حقارت و وحشت از دیدن قیافه طلبکاران دقیقه به دقیقه نفس را در سینه آنان بند آورده

اجتماع اعتراضی کارگران « ایران پویا »

اخراجی را نپرداخته است. کارگران یک بار دیگر با تجمع در مقابل شرکت خواستار پرداخت فوری مطالبات خود شدند.

منبع: آژانس ایران خبر

۱۵ فروردین ۸۸

معمول « وجود مشکلات مالی » را دستاویز عدم پرداخت حقوق‌ها کرده است. او تا امروز حدود ۸ میلیارد تومان سرمایه حاصل کار و استنثار کارگران را به صورت وام از مراکز مختلف مالی دریافت کرده است. اما با همه این‌ها هیچ ریالی از دستمزدهای معوقه ۵۰ کارگر

شرکت ایران پویا مدت‌ها است که ۵۰ کارگر را اخراج کرده است. سرمایه دار شرکت هنگام بیکارسازی کارگران از پرداخت حقوق و سایر مطالبات معوقه آنان خودداری کرده است. کارگران بارها علیه این اقدام کارفرما دست به تحصن و اعتراض زده اند. سرمایه دار مطابق

جدال میان کارگران و سرمایه دار در کارخانه شوگا

خشمگین تر کرد. آنان فریاد اعتراض سر دادند و مجادلات لفظی میان طرفین برای مدتی به درازا کشید. حقوق و عیدی کارگران هنوز پرداخت نشده است.

منبع: آژانس ایران خبر

۱۵ فروردین ۸۸

آنان گفت که از حقوق خبری نیست، از اینجا بروید! کارگران با حالتی خشمگین به این همه وقاحت و گستاخی اعتراض کردند. سرمایه دار بازم بر وقاحت خویش افزود. او ادامه داد که شما پیش از عید « حق آکورد » دریافت کردید و تصور من این است که مشکل مالی ندارید!!! یاره گویی‌های صاحب شرکت کارگران را

کارگران کارخانه شوگا هنوز هم حقوق ماه اسفند و عیدی سال ۸۷ خویش را دریافت نکرده اند. آنان در اعتراض به تعویق حقوق‌ها در مقابل دفتر شرکت اجتماع کردند و خواستار پرداخت فوری مطالبات خویش شدند. سرمایه دار صاحب شرکت پس از مدتی در مقابل کارگران ظاهر شد و با لبی خندان!! خطاب به

نشست سران G20 و غارت ته مانده سفره کارگران

برای کاهش خطر بحران سرمایه داری معادل چندین برابر کل دستمزدهای سالانه کل توده های کارگر جهان است.

تا اینجا در لا به لای ارقام پیچ خوردیم و حال بیابید به این فکر کنیم که راستی راستی این مبلغ نجومی سرگیجه آور که امروز گویندگان تلویزیون های دنیا و حتی اقتصاددانان کارکشته نظام بردگی مزدی هنگام بیان آن یکه می خوردند و چندین بار ابراز حیرت می کنند، از کجا به دست آمده و به دست خواهد آمد؟ آیا فقط قرار است ماشین های چاپ اسکناس برای مدت بیشتری کار کنند و حجم عظیم تری اسکناس چاپ کنند؟! اگر علاج مشکل به این آسانی بود آنگاه چه نیاز به این همه تدارکات برای مقابله با بحران بود؟ آیا می خواهند در خزانه ها را بکشایند و موجودی آن ها را بذل و بخشش نمایند؟! این تصور که از اولی هم به مراتب مسخره تر و احمقانه تر است. آیا طبقه سرمایه دار تصمیم گرفته است که از هفت اقیانوس عظیم دارایی هایش برای تأمین این رقم مایه بگذارد؟! این که از هر دوتای قبلی میتدل تر و مسخره تر است. سرمایه داران دنیا بشریت را به نابودی کشیده اند تا این سرمایه ها را روی هم انباشت کنند و حال هم کل جنگ و جدل ها برای حفظ همین سرمایه ها و سودآوری هر چه انبوه تر آن ها است. در دسر کم کنیم. این ها مسلماً جواب نیستند. سراغ پاسخ درست و حسابی پرسش خود برویم.

در مباحث آموزش اقتصاد سیاسی در همین سایت چند بار توضیح داده ایم که ارزش هر کالا فقط مقدار کار اجتماعاً لازمی است که صرف تهیه آن شده و در آن نهفته است. منظور از کار اجتماعاً لازم زمان کاری است که در شرایط عادی تولید اجتماعی و متوسط کار اجتماعی و حد میانگین شدت کار برای تولید آن کالا مصرف می شود. کالاهای بر پایه این زمان کار اجتماعاً لازم متراکم شده در آن ها با هم مبادله می شوند. پول مقیاس ارزشی و واسطه مبادله کالاهای است. در دوره های اولیه پیدایش و رشد اقتصاد کالایی ماقبل سرمایه داری ابتدا محصولات را به طور مستقیم با هم مبادله می کردند. به طور مثال، تولید کننده پارچه یک متر کتان را به این یا آن کشاورز می داد و در ازای آن یک کیلو برنج می گرفت. بعدها کالای معینی مثلاً یک گوسفند به عنوان واسطه برای مبادله سایر کالاهای تعیین شد. کمی بعدتر گوسفند جای خود را به معادل ارزشی و واسطه ای دیگری برای مبادله کالاهای داد. این نقش بعدها به کالای دیگری به عنوان مثال نوعی فلز واگذار گردید تا این که نوبت طلا رسید و بالاخره پول جایگزین همه این ها شد. شکل معادل در همه حال خواه به صورت گوسفند، خواه فلزی مانند برنز و نقره یا طلا و بالاخره پول در واقع فقط بیانگر همان مقدار زمان کار اجتماعاً لازم انسانی نهفته و متراکم شده در کالاهای است. بر همین مبنا، وقتی از پول سخن می گوئیم باید کالاهایی وجود داشته باشد، تولیدی صورت گرفته باشد، انسان هایی کار کرده باشند و کار این انسان ها در محصولاتی متراکم شده باشد. باید همه این کارها انجام گرفته باشد تا آنگاه چیزی به نام پول معنا پیدا کند و موضوعیت یابد. به بیان دیگر، باید دنیای کالاهای و سرمایه ها توسط جمعیت عظیم کارگران دنیا تولید شده باشد و دنیای عظیم زمان کار این کارگران در سرمایه ها تراکم یافته باشد تا پول نقش معادل و بیان مبادله میان آن ها را ایفا کند. در این زمینه طبیعاً می شود به تفصیل صحبت کرد و هر چه هم بیشتر صحبت کنیم موضوع روشن تر خواهد شد. اما همان گونه که اشاره شد ما این کار را در جاهای دیگر انجام داده ایم. آنچه در این جا مورد نظر است فقط این است که ۵ هزار میلیارد دلار هدایای سران دولت ها به سرمایه داران و مؤسسات سرمایه داری دنیا نه گنج قارون است، نه مانده آسمانی و نه هیچ چیز دیگر، بلکه فقط و فقط کاری است که کارگران دنیا انجام داده اند و باید انجام بدهند. کل این مبلغ نجومی سرسام آور مایه حیرت همه ساکنان کره زمین صرفاً حاصل کار و استثمار ما میلیاردها توده های کارگر دنیا است. این ماییم که شب و روز در اعماق معادن دنیا کار کرده ایم و صدتا صدتا یا بیشتر در شعله های آتش سودسازی سرمایه ها خاکستر شده ایم، در کارخانه

سران ۲۰ کشور جهان موسوم به G20 (گروه ۲۰) دومین نشست خویش را در انگلیس برگزار کردند. آنان از قاره های مختلف دنیا به دیدار هم شتافتند تا برای مقابله با بحران جاری سرمایه داری با هم مشورت کنند. رؤسای دولت ها چند روز تمام حول این رسالت سترگ طبقاتی خود به گفتگو پرداختند و سرانجام در روز پنجشنبه دوم ماه آوریل حاصل توافقات را به عنوان فهرستی از مصوبات اعلام کردند. سران G20 اعلام کردند که تا پایان سال آینده ۵ هزار میلیارد دلار آمریکا برای کاهش فشار بحران به کالبد فرسوده و فرتوت نظام سرمایه داری تزریق خواهند کرد. توضیحات بعدی آنان حاکی است که این مبلغ سرگیجه آور نجومی چگونه و از کدام راه ها وارد مجاری ارزش افزایی و تولید سود سرمایه جهانی خواهد شد. به این موارد در پایان نوشته اشاره خواهیم کرد. اما عجالتاً اجازه دهید اندکی درباره همین رقم ۵ هزار میلیارد دلار با هم گفتگو کنیم. بر پایه محاسبات دقیق ریاضی اگر فاصله میان زمین تا کره ماه را با اسکناس های یک دلاری فرش کنیم فقط هزار میلیارد دلار احتیاج داریم تا این دو کره را با اسکناس به هم وصل کنیم. رقمی که بر پایه تصمیم سران G20 با هدف نجات نظام سرمایه داری از خطر سقوط به مجاری تولید سود سرمایه تزریق خواهد شد ۵ برابر مبلغی است که برای فرش کردن فاصله میان زمین و ماه کفایت می کند. اگر این کار را به عنوان مثال با اسکناس های صد تومانی ایرانی انجام دهیم آنگاه خواهیم توانست فاصله میان این دو کره را ۵۰ بار با این اسکناس فرش کنیم. مثال های ملموس تری بزنیم. این کار برای درک اهمیت ماجرا بسیار لازم است. یک کارگر ایرانی اگر این شانس را داشته باشد که در تمامی روزهای سال نیروی کار خویش را به صاحبان سرمایه بفروشد، اگر او به خیل عظیم بردگان مزدی بیکار تعلق نداشته باشد، اگر این کارگر برای مثال در بخش ساختمان کار کند، اگر حتی در روزهای سرد و یخبندان زمستان هم برای پاره ای حمالی های کشنده به کار او نیاز داشته باشند، اگر وی به فرض محال در هیچ روزی بیمار نشود، اگر هیچ گاه هدف قهر سرمایه دار واقع نگردد و تازیانه اخراج بر گرده او فرود نیاید، اگر کارفرما یا کارفرمایان از سر تصادف دستمزد وی را ۶ ماه ۶ ماه مصادره نکنند، آری اگر همه این احتمالات و بسیار اگر و اماهای دیگر همه و همه تصادفاً به نفع این کارگر در کنار هم به میمنت و مبارکی لباس واقعیت پوشند، تازه در چنین شرایط بسیار نادری کارگر مزبور برای تمام طول سال ۲ میلیون و پانصد هزار تومان دستمزد خواهد داشت. خوب می دانیم که کارگر ساختمانی مورد مثال ما علی العموم باید با این حقوق یک خانواده ۴ تا ۵ نفری را اداره کند. حال بیابیم و رقم ۵ هزار میلیارد دلار را ابتدا به تومان تبدیل و سپس به دستمزد سالانه این کارگر بخش کنیم. حاصل این تقسیم ریاضی عدد ۲ میلیارد خواهد بود. به این ترتیب پولی که بر اساس مصوبات سران ۲۰ کشور عضو G20 برای نجات نظام سرمایه داری از بحران و خطر فروپاشی منظور شده است معادل حقوق ۲ میلیارد نفر کارگر است که تمامی روزهای سال را در مرغبارترین شرایط ممکن کار می کنند، هیچ لحظه ای آسایش ندارند، دائماً با خطر وقوع سوانح و از دست دادن جان یا اندامی از بدن مواجه هستند. ۲ میلیارد نفر کارگر مفروض با دستمزد خویش باید یک جمعیت حدوداً ۱۰ میلیارد نفری را از لحاظ خوراک و پوشاک و مسکن و هزینه دارو و درمان و آموزش و کل نیازهای معیشتی تأمین کنند. ۱۰ میلیارد رقمی معادل یک و نیم برابر جمعیت کنونی کل ساکنان کره زمین و حدود دو و نیم برابر کل نفوس توده های کارگر دنیا است. پیداست که بخش هایی از طبقه کارگر بین المللی دستمزدهایی بسیار بالاتر از دستمزد یک کارگر ساختمانی در ایران می گیرند. اما این نیز بدیهی است که هم اکنون یک میلیارد نیروی کار آماده فروش جهان فاقد کار و به ناچار فاقد دستمزد هستند. اگر همه این اعداد را با هم جمع و تفریق کنیم و اگر به خاطر بیاوریم که بیش از ۲ میلیارد سکنه زمین با درآمد سالانه ای کمتر از ۷۰۰ دلار آمریکا زندگی می کنند آنگاه به راحتی خواهیم پذیرفت که رقم ۵ هزار میلیارد دلار اهدایی ناقابل !! دولت ها

ها زیر فشار کار شاق شبانه روزی فرسوده شده ایم، تمام عمر را در جاده ها برای حمل سرمایه ها و کالاهای سرمایه داران شب تا صبح رانندگی کرده ایم، در بیمارستان ها، مدارس و در تمامی جاهای دیگر استثمار شده ایم تا کل سرمایه های جهان و از جمله معادل همین ۵ هزار میلیارد دلار اهدایی سران دولت ها به سرمایه داران جهان را تولید کرده ایم. با این توضیح کمی به محتوای تصمیم سران ممالک عضو G20 نزدیک تر شویم و رقم ۵ هزار میلیارد دلار را اندکی ملموس تر بکاویم. سؤال این است که رؤسای دولت های شرکت کننده در کنفرانس لندن که در واقع حرف کل سرمایه داران و دولت های سرمایه داری دنیا را بر زبان می رانند و عملاً به اجرا درمی آورند این ۵ هزار میلیارد دلار محصول کار و استثمار ما را قرار است از کجاها بردارند، از دست چه کسانی بگیرند و به کجا وصله و پینه کنند؟ و چگونه برای مقابله با بحران مصرف نمایند؟ هر کارگر دارای حداقل شعور طبقاتی بسیار خوب می داند که برای یافتن پاسخ این سؤال نباید در لا به لای فرمول بندی های شرکت کنندگان در کنفرانس یا کلاً سران دولت ها بچرخد. آنان هر سببیت و جنابیت و هر حمام خونی علیه کل کارگران دنیا را معجزه نجات بشریت نام می نهند و در اوصاف معجزات این نوعی خویش زمین و زمان را از جنجال پر می کنند. پاسخ سؤال بسیار ساده و صریح این است که کل این ۵ هزار میلیارد دلار که معادل ۵ هزار تریلیون تومان ایران است یگراست از همین دار و ندار معیشتی امروز چند میلیارد نفوس توده های طبقه بین المللی ما کسر خواهد شد. آنچه در طول ۶ ماه اخیر و در واقع در طول چند دهه اخیر در ۶ گوشه دنیا توسط سرمایه انجام گرفته است تصویر آنچه را قرار است در روزها و ماه ها و سال های آینده علیه ما تحمیل کنند بسیار شفاف و گویا در پیش روی ما قرار می دهد. بیکاری های بسیار گسترده تر چند صد میلیونی، کاهش هرچه بیشتر دستمزدها، تعطیل بازهم بیشتر بیمارستان ها و مدارس و مهد کودک ها، از بین بردن امکانات معلولان و پیران، نابودسازی هولناک تر چشم انداز زندگی نسل های آینده و خاموش ساختن آخرین بارقه های امید به یک زندگی با حداقل بخور و نمیر تنها و تنها منابع واقعی تأمین این ۵ هزار تریلیون تومان خواهد بود.

موضوع را باز هم ملموس تر مورد دقت قرار دهیم. بحران پدیده ذاتی نظام سرمایه داری است. ریشه بحران در گرایش نزولی نرخ سود سرمایه ها و تبدیل شدن این گرایش به حکم مطلق یا قانون قطعی شیوه تولید سرمایه داری نهفته است. بحران از آن جا ناشی می شود که دریای عظیم اضافه ارزش هایی که ما تولید می کنیم نرخ سود کافی مورد نیاز سرمایه ها برای بازتولید مجدد و مستمر آن ها را تأمین نمی کند. چرا چنین می شود؟ زیرا شیوه تولید

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۴ فروردین ۱۳۸۸

ما هزینه بحران شما را نمی پردازیم!

وین، ۳۵۰.۰۰۰ نفر در پاریس، ۳۵۰.۰۰۰ نفر در لندن، ۱۰۰.۰۰۰ نفر در رم، ۱۰۰.۰۰۰ نفر در بارسلون و ده ها هزار نفر در دیگر شهرهای اسپانیا، ۵۰۰ نفر در سوئیس. در آلمان ۵۵۰.۰۰۰ نفر در دو شهر برلین و فرانکفورت به دعوت اتک آلمان، اتحادیه ها، حزب چپ آلمان، حزب سبزها، آنتی کاپیتالیست ها، طرفداران محیط زیست، مهاجرین و مجموعه ای از نیروهای سیاسی راه پیمایی کردند. در بسیاری از شهرها اتحادیه اتوبوس مجانی برای شرکت کنندگان فراهم کرد. در مقایسه با تظاهرات سوم آوریل سال ۲۰۰۴ که بیش از نیم میلیون نفر به فراخوان پاسخ دادند و در آن شرکت کردند استقبال از تظاهرات به نسبت هزار بار کمتر بود و این نشان می دهد که مردم اعتماد خود را به تأثیر چنین فعالیت هایی و نیروهای ترتیب دهنده آن از دست داده اند. دیگر این که این فراخوان بسیار دیر داده شده است و شعار اصلی آن حتی خنده دار به نظر می رسد زیرا کارگران و کل جامعه اتفاقاً هزینه بحران سرمایه داری را پرداخته اند. ۶ ماه از تصویب قانون کمک های میلیاردی با عنوان چتر نجات بحران مالی می گذرد. در آلمان سرانه این پرداخت ۶۵۰۰

موضوع را باز هم ملموس تر مورد دقت قرار دهیم. بحران پدیده ذاتی نظام سرمایه داری است. ریشه بحران در گرایش نزولی نرخ سود سرمایه ها و تبدیل شدن این گرایش به حکم مطلق یا قانون قطعی شیوه تولید سرمایه داری نهفته است. بحران از آن جا ناشی می شود که دریای عظیم اضافه ارزش هایی که ما تولید می کنیم نرخ سود کافی مورد نیاز سرمایه ها برای بازتولید مجدد و مستمر آن ها را تأمین نمی کند. چرا چنین می شود؟ زیرا شیوه تولید

موضوع را باز هم ملموس تر مورد دقت قرار دهیم. بحران پدیده ذاتی نظام سرمایه داری است. ریشه بحران در گرایش نزولی نرخ سود سرمایه ها و تبدیل شدن این گرایش به حکم مطلق یا قانون قطعی شیوه تولید سرمایه داری نهفته است. بحران از آن جا ناشی می شود که دریای عظیم اضافه ارزش هایی که ما تولید می کنیم نرخ سود کافی مورد نیاز سرمایه ها برای بازتولید مجدد و مستمر آن ها را تأمین نمی کند. چرا چنین می شود؟ زیرا شیوه تولید

Wir zahlen nicht für eure Krise! (Berlin, Wien)

Jobs, Justice, Climate / Peace – yes we can! (London)

No paparenom Vuestras Crisis! /

Capitalistas, les hora de Cambiar! (Madrid)

Loro la Crisi, noi la Soluzione! (Rom)

Nous ne Paierons pas leur Crise!(Paris)

Un Conseil mondial du Capitalisme pour nous payer la Crise!(Schweiz)

در ۲۸ مارس ۲۰۰۹ پایتخت های مهم کشورهای اروپا و هم چنین ژاپن، کانادا، هند و کنیا شاهد تظاهراتی چند ده هزار نفره علیه سیاست های مالی کشورهای متبوع در مورد بحران جاری سرمایه داری بود. ۲۰۰.۰۰۰ نفر در

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

و جهت گیری آن به طرف نیازهای اجتماعی و نه به سمت سود هستیم. باید به سلطه کسب سود و اقتصادی کردن همه جهات زندگی خاتمه داده شود.

چنان که می بینیم همه به شیوه بیانی مجهول و این که باید این گونه و آن گونه بشود صحبت کردند، کلی گویی هایی که به اندازه سرسوزنی هم به سرمایه داری آسیب نمی زند. کسی حرفی در باره نیرویی که باید این وظیفه را به انجام برساند نزد کسی اشاره ای به این نکرد که این کار سترگ چگونه باید انجام گیرد. کسی حتی کوچک ترین تهدیدی هم نکرد که اگر این نشود چه خواهد شد. لابد باید شکرگزار بحران بود که بدون هیچ کوششی از جانب ما خود شرایط تغییر نظام را فراهم فرموده است! رفرمیسم چپ ازین بهتر نمی توانست مبارزه جویی کند و انتظاری بیش ازین نیز از آن ها نباید داشت. به قولی از کوزه همان برون تراود که در اوست. اشکال نه از آن ها که از بی افقی طبقه کارگر است. شکل گیری آلترناتیو رادیکال درمقابل سرمایه داری به چنان مبارزه طبقاتی ای نیاز دارد که هر گام کوچکش با چشم انداز افق ضدسرمایه و گامی به جلو برای نزدیکی به لغو کار مزدی باشد. زمانی که این شرایط فراهم نباشد، بهترین فرصت برای نیروهای رفرمیست است.

فریده ثابتی

۳ آوریل ۲۰۰۹

دلار است به اضافه ده ها هزار کارگر بیکار شده. دیگر چگونه باید هزینه بحران را پرداخت؟

مطالبات تظاهرات اعتراضی عبارت بود از پرداخت بیشتر برای آموزش، بهداشت، حمایت از محیط زیست، خدمات عمومی و چتر حمایت اجتماعی برای شاغلان، بیکاران و بازنشستگان، حذف بیمه بیکاری هارتص IV از برنامه ۲۰۱۰ و تعیین حداقل دستمزد. در این تظاهرات برخلاف سال ۲۰۰۴ هیچ یک از رهبران اتحادیه ها سخنرانی نکردند و به تهدید با اما و اگر سرمایه داری نپرداختند. حزب چپ با دو سخنران اصلی در راس تظاهرات قرار داشت. لافونتن رهبر این حزب هنگام سخنرانی در فرانکفورت با پرتاپ تخم مرغ مواجه شد و سخنرانی اش را در پوشش حمایتی چترها و پلیس انجام داد و گفت دارندگان درآمد بالا یعنی کسانی که بحران را ایجاد کرده اند باید به خاطر خود مالیات بیشتری بپردازند. در برلین گیزی رهبر دیگر حزب در سخنرانی دولتی کردن بانک های بزرگ و توزیع مناسب برای فقرا را طلبید و اعلام کرد که با وقوع بحران چشم انداز یافتن راهی جدید و نظم نوین اقتصادی ای که در خدمت انسان باشد نه سود فراهم شده است. سخنران اتک مطرح کرد که سرمایه داری بعد از بحران ۱۹۲۹ اکنون به شدیدترین بحران خود دچار شده است. این بحران را تصمیم گیری سران ۲۰ کشور نمی تواند برطرف کند. نظام اقتصاد جهانی باید به طور بنیادی بر پایه دیگری بنا شود. گروه مبارزات اجتماعی برلین گفت ما خواهان کنترلی دموکراتیک بر اقتصاد

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

khbitkzs@gmail.com

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. تاکید بر پایه ای بودن مطالبات در این منشور از آن رو ضروری است که اولاً کارگران ایران در اوضاع کنونی حتی از پایه ای ترین حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان محرومند و، ثانیاً و مهم تر از آن، لازمه ارتقای مبارزات پراکنده کارگران به سطح یک مبارزه سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل سرمایه در شرایط کنونی است- نه طرح مطالبات این یا آن بخش از کارگران بلکه طرح مطالبات کل طبقه کارگر در عمومی ترین و پایه ای ترین بیان آن است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح هرگونه مطالبه اعم از پایه ای و غیرپایه ای به معنای آن است که کارگران از سرمایه داران طلبکارند. طلب کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران کرده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از :

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه هر کارگر در شرایط کنونی باید ۶۰۰ هزار تومان باشد.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از حقوق ثابتی به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان در ماه برخوردار باشند.
- ۳- کارخانگی باید از میان بروداما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۵- هر نوع قرارداد استخدام موقت الغاء باید گردد.
- ۶- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنج ماه پرداخت شود.
- ۷- مسکن مناسب با آب، برق، امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر کارگری است. تحقق این امر در گرو آن است که:
 - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن کارگران استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای کارگران اختصاص دهد.
- ۸- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۹- آموزش و پرورش در تمامی سطوح باید رایگان شود.
- ۱۰- ایاب و ذهاب در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۱- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۲- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۳- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل الغاء گردد.
- ۱۴- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
 - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع گردد.
 - تشکیل خانواده یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- ۱۵- ایجاد هرگونه تشکل کارگری از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !
کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۳۸۷/۲/۱

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

khbitkzs@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.